



ASIAN AND MIDDLE EASTERN STUDIES TRIPOS PART II

Middle Eastern Studies

Date

Time

MES. 32 ADVANCED PERSIAN

Answer *all* questions.

Write your number *not* your name on the cover sheet of *each* answer booklet.

STATIONERY REQUIREMENTS

20 Page Answer Book x 1

Rough Work Pad

SPECIAL REQUIREMENTS

None

**You may not start to read the questions
printed on the subsequent pages of this
question paper until instructed that you may
do so by the Invigilator.**

1 Translate the following **unseen** passage into **English** [20 marks]

- ۱ زندگی و آثار غلامحسین ساعدی، حکایت خلاقیت، نبوغ و آفرینش هنری است در یک جامعه استبدادزده. ساعدی متولد دیماه سال ۱۳۱۴ در تیریز است. نوجوانی او مصادف بود با نهضت ملی شدن نفت و سپس کودتای بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲. دورانی که در آن همچون انقلاب ۱۳۵۷ بسیاری از جوانان و نوجوانان ایرانی به سوی فعالیت سیاسی کشیده شدند و سرکشی نوجوانی با جنبش سراسری همسو شد. ساعدی نویسنده بزرگی است ولی آثارش دو نقطه ضعف دارند. نخست اینکه نگاه ساعدی به زندگی شهری و طبقه متوسط منفی و گاه تحقیر آمیز است و در برابر، نسبت به زندگی روستایی نگاهی ستایش آمیز دارد. ساعدی در این زمینه تنها نیست و در میان نویسندگان دهه چهل، نگاه همان اکثریت متمایل به چپ را بازتاب می دهد که رویکرد طبقه متوسط به تغییرات اجتماعی را نمی پسندید و با ساده کردن بیش از حد مسائل رفتار روستاییان را آرمانی می کرد. اما تجربه نشان می دهد که نمی توان مسائل پیچیده را به زبان ساده بیان کرد بدون اینکه از میزان این پیچیدگی ها کاست و به فرمول خیر و شر رسید. متأسفانه ساعدی نیز با تمام نبوغ و تواناییهایش در بسیاری از آثارش به همین فرمول تن می دهد.
- ۱۵ ساعدی آثار بسیاری دارد که زنان در آنها اصولاً نقشی ندارند یا نقش جانبی دارند. در آثاری که زنان در آنها حضور دارند، این حضور در سایه خصلت های پستی که ساعدی برای آنها در نظر می گیرد، بی اهمیت و منفی جلوه می کند. خود ساعدی در مورد کم رنگ بودن نقش زن در آثارش و اینکه آیا تعمدی در کار بوده یا نه، می گوید:
- ۲۰ نه تعمدی در کار نبوده است. وقتی راجع به زن فکر می کنند، بخصوص ایرانی ها که در فضای خاصی زندگی کرده اند، بیشتر به زن به عنوان یک ماده نگاه می کنند. شخصیت گدا یک زن است. یک پیرزن. پس زن حضور دارد. در «آرامش در حضور دیگران» دو تا زن جوان هستند. به هر حال، در کار من در این مورد تعمدی در کار نیست. بستگی دارد به این که در اثری که می نویسی ضرورت وجود زن هست یا نه.
- ۲۵ در «آرامش در حضور دیگران» که ساعدی در متن بالا از آن نام می برد، شخصیت های زن یا "بی بند و بارند" یا کارهایی انجام می دهند که با منطق داستانگویی خود او ناهمخوان است. در این اثر ساعدی نگاه منفی به غرب، که تداوم همان نگاه به غرب به عنوان استعمارگر و به انحراف کشاننده است، در جوهی در همین شخصیت های زن دیده می شود که ذهنیات و خطوط شخصیتی آنها تا پایان برایمان ناروشن می ماند. ولی جالبتر این است که ساعدی در بسیاری از آثارش، طبق گفته خودش، "ضرورتی" در وجود زن نمی بیند. با این همه و به خاطر آثار قابل تعمقی که خلق کرده است، رد پای غلامحسین ساعدی به عنوان یکی از مهمترین نوآوران نمایشنامه نویسی مدرن و یکی از نویسندگان برجسته ایران همواره بر قله ادبیات و هنر ایران باقی خواهد ماند.

Adapted from Niloufar Beyzaie, "Negahi beh Zendegi va Asar-e Sa'edi" *BBC Persian*
http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2010/11/101123_141_theater_saeedi_niloufar_beiz_aee.shtml (Accessed 29/01/2013).

2 Translate the following **unseen** passage into **English** [20 marks]

- ۱ دایی: من عارم می آید که بگویم دختر خواهرم کار هنرپیشگی می کند.
زن دایی: آنها که تئاترش را دیده اند غیر از این می گویند.
دایی: اینجا خانه من است!
- ۵ عالییه: خب، حرفهایتان را زدید! به حرف شما برای زن فقط یک شغل می ماند؛ مادری. ولی از مادری که خرج زندگی در نمی آید، پس می ماند شغل دوم، و آن به نظر شما فاحشگی است؛ همان که شما دلتان می خواهد زنان را به صفتی مثل آن موصوف کنید. ولی به شما خبر می دهم که از زنان ما کارهای بهتری هم صادر می شود؛ مثلاً این روزها زنی به اسم سارا ترکه آتشکار لوکوموتیو است، با روسری و پوتین، و زنان بسیاری ملافه واگن می شویند و یا بسته بندی چای می کنند، در کارخانه ی شیشه گرخانه هستند، چند تایی تلفن چی اند، و بسیاری در کارخانه ی نساجی وطن کار می کنند. افسوس که خود پسندی آقایان راه تحصیلات عالییه را به روی اکثر زنان بسته، با اینهمه چند نفری در ادارات به تحریر نامه ها سرگرمند و عده زیادی معلمی می کنند یا به پرستاری و قابلمگی مشغولند، و حتی چند نفری داوطلب فن خلبانی هستند.
- ۱۵ دایی: چنین قاعده ای در خانواده ی ما نبوده، آنهم شغلی که زن و مرد در آن مختلطند!
عالییه: جامعه اختلاط زن و مرد است!... فقط کافیسیت تنگ نظر باشیم.
- عمو: کسی که مادر و پدرش را به فاصله چهل روز از دست داده و در خانه اقوام بزرگ شده اینقدر برویشان زبان درازی نمی کند.
- ۲۰ عالییه: باشد خان عمو، من کوچک بودم را حفظ می کنم در صورتی که شما هم اینقدر از بزرگیان سوء استفاده نکنید.
- عمو: کی سوء استفاده می کند، ما؟ ما که صبح تا شب جان می کنیم؟ ما که صورتمان را با سیلی سرخ می کنیم؟ من الان هزار جور مسئله دارم. بندر شمال دست یکیست، و بند جنوب دست دیگری. نه قند پیدا می شود نه شکر، نه قماش و نه سیگار و ستمینستر. همه ما در مشاعلمان دچار فلاکتیم، ولی آبرویمان را حفظ کرده ایم.
- ۲۵ دایی: خب! گویا به نتیجه رسیدیم. [همه ساکت می شوند.] کمک ما به تو یک شرط دارد.
عالییه: قبول نمی کنم.
- عمه: چرا اجابت می کنی عالییه؟
عالییه: شغل من — یک — وظیفه است.
- دایی: تو به ما بد کردی عالییه. ما تو را نمی بخشیم. نام خانواده ما به واسطه تو بد شد.
- ۳۰ عالییه: من با نام شوهرم روی صحنه هستم، نه نام شما.
دایی: چه بهتر! هیچوقت اسم ما را نبر. خب؟ فراموش کن که از مایی.

Bahram Beyzaie, *Eshghal* (Tehran: Roshangaran, 1381/2002), pp. 60-61.

(TURN OVER)

3. Write an essay in **Persian** of **about 400 words** on **one** of the following
[30 marks]

- a Review Tahmineh Milani's *Do Zan*.
- b Review Bahram Beyzaie's *Karnameh-ye Bondar-e Bidakhsh*.
- c Discuss Farhad's singing style and two of his songs.
- d Compare Sadeq Hedayat's *Dash Akal* with his *Laleh*.

END OF PAPER